



فصل ۳:

مبانی معرفت شناسی علم مدیریت

نسخه شماره دو / زمستان ۱۳۹۸
<http://facultymembers.sbu.ac.ir/tavallaei>

تهیه و تنظیم:
دکتر روح اله تولایی
عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام
و دانشگاه شهید بهشتی

مفهوم معرفت شناسی:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

- دومین بخش از مبانی فلسفی علم مدیریت شامل مبانی معرفت شناسی می باشد.
- معرفت شناسی به ماهیت دانش انسان می پردازد. معرفت شناسی در ساده ترین تعریف آن عبارت از این است که ما چگونه میدانیم چیزی را که میدانیم، می دانیم (Weaver, 1997). مهمترین پرسش معرفت شناسی این است که ما چه چیزی می دانیم و چگونه این دانش را کسب می کنیم؟ بنابراین معرفت شناسی درگیر سرشت دانش و اعتبار آن است. (Willing, 2001)
- مبانی معرفت شناسی از دیدگاه اسلامی به آن دسته پیش فرضهایی اطلاق می شود که درباره امکان شناخت انسان در جهان هستی و ابزارهای معرفتی انسان بیان شده است.

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

(۱) انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در هستی، توانایی دارد.

➤ همچنان که وجود واقعیاتی خارج از ذهن، برای هر انسان امری بدیهی است، دستیابی و شکلگیری دانش (امکان شناخت این واقعیات) نیز امری بدیهی است. به بیان دیگر، جهان هستی قابل شناسایی است و انسان توانایی شناخت آن را دارد.

➤ خداوند این توانایی را به انسان عطا کرده است. دعوت به شناخت ابعاد و مراتب مختلف هستی و اشاره به پدیده های آفاقی و انفسی در قرآن کریم، نشان از قدرت بشر برای شناخت دارد. در قرآن کریم بارها با مفاهیم مختلفی چون تفکر، تدبیر، نظر، علم و... بر وجود این توانایی در انسان تأکید شده است.

➤ همچنین، اشاره قرآن کریم به تعلیم بشر توسط خدا، دلالت بر فعلیت یافتن این امکان دارد که همین علم انسان، زمینه انتخابگری، مسئولیت و کرامت آدمی است و در نتیجه سجود فرشتگان را در برابر او فراهم آورده است (کشاورز و نورانی، ۱۳۹۵).

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

۲) علم انسان دارای اقسام حقیقی و اعتباری است و مراتب و سطوح مختلفی دارد

۱-۲) حقیقت تشکیکی علم آدمی در نخستین تقسیم خود به "علم حضوری" و "علم حصولی" تقسیم میشود.

- علم حضوری نظیر علم انسان به حالات نفس خودش نظیر گرسنگی و خستگی می باشد.
- علم حصولی شامل سه مرتبه حسی، خیالی و عقلی است. این مراتب علم با یکدیگر نسبت و رابطه دارند، اما به یکدیگر تبدیل نمیشوند.
- همچنین شناخت حصولی در آدیان از سویی به دو بخش "نظری" و "بدیهی" و از منظری دیگر، به دو قسم "تصدیق" و "تصور" تقسیم میشود.

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

۲-۲) با توجه به سطوح مختلف واقعیت، میتوان به مسئله تقسیم علوم نیز توجه کرد.

- در بالاترین یا فراگیرترین سطح واقعیت، کل هستی با همه موجودات آن خواه محسوس یا نامحسوس باشند مخلوق و آیت خدا به حساب می آیند. در این سطح، تفاوتی میان موجودات نیست و آنها همه واقعیتی آیه ای یا نمادین دارند. در این سطح نمیتوان اقسامی برای علوم قائل شد؛ بلکه علم از ویژگی یگانگی برخوردار است.
- در سطحی پایینتر که موجودات از حیث نوع موجودیت یا صفات وجودی مورد توجه قرار میگیرند، علوم نه تنها موضوعات مختلف دارند، بلکه به تبع آن، چه بسا روشهای مختلفی برای تحقیق و مطالعه خواهند داشت.
- البته نمی توان همواره در سطح کثرت علوم باقی ماند؛ بلکه پس از بهره وری از نتایج آن باید به وحدت بازگشت. این بازگشت در حکم رجوع به واقعیت اساسی تر موجودات است. به هر حال علم آدمی ممکن است نسبت به سطوح معینی از واقعیت، تحقق یابد و با دست یافتن به هر سطحی از واقعیت، کافی است آن را "علم" بنامیم.

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

۲-۳) بر اساس قصد و غرض آدمی، میتوان گفت که علم دارای اقسام اعتباری است.

- در معرفت شناسی اسلامی، به دلیل اهمیتی که برای واقعیت معلوم در نظر گرفته شده، قسم یا اقسام حقیقی علوم کنار گذاشته نمیشود؛ اما علاوه بر آن، تقسیم اعتباری علم بر حسب مقاصد و نیازهای خاص آدمی نیز امکان پذیر است. از این نظر، علم متناظر با نیازهای آدمی و میزان سودمندی آن قابل تقسیم است. سودمندی علم در پاسخگویی به نیازهای واقعی انسان مشخص میشود.
- هر علمی که به نیازهای اساسی تر پاسخ گوید، از سودمندی بیشتری برخوردار است. نیازهای اساسی بشر شامل نیازهای حیاتی و نیازهای متعالی است. رفع نیازهای حیاتی، اولویت زمانی دارد، اما پاسخگویی به نیازهای متعالی، از اولویت رتبی برخوردار است.
- و سرانجام دسته ای از علوم و دانسته ها نیز به دلیل آسیب رسانی به تکامل حقیقی انسان، دارای ارزش منفی هستند. به همین جهت نیز، نوعی اولویت و تقدم و تأخر رتبی در تحصیل و تعلیم دانش ها به وجود می آید.
- بنابراین علم انسان، واقعیتی ذومراتب است و سطوح آن نیز تابعی از ابزارها، روشها، مهارتها و محدودیت های شناختی آدمی است.

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

۳) معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الأمر) است

- مطابقت گزاره های معرفتی با نفس الأمر، ملاک علم معتبر است. نفس الأمر شامل همه واقعیات هستی و امری فراتر از عالم مادی است.
- نفس الأمر در قضایای متافیزیکی، همان «واقعیات متافیزیکی» (مورد اخبار) و در قضایای تجربی، همان «واقعیات مادی» (موضوع بحث) است؛ اما در وجدانیات، مقصود از آن «واقعیات نفسانی» (موضوع دریافت شخصی گوینده) و در قضایای منطقی و ریاضی «امورذهنی و انتزاعی» (مورد گفتوگو و استدلال) است. همچنان که در اعتباریات، همان «واقعیات اعتباری» نفس الأمر به شمار می آیند.
- بنابراین زمینه های توجیه و اعتباربخشی دانش از جمله دانشهای مدیریت گسترده میشود. شاخص های اعتبار دانش نیز شامل اموری نظیر "مطابقت باشواهد عینی"، "سودمندی نتایج"، "سازگاری با منظومه معرفتی معتبر و معقول" و "اعتبار مرجع" است.

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

- (۴) علم در عین کشف از واقع (از منظر معلوم)، محصول خلاقیت و ابداع نفسانی (از منظر عالم) است
- خداوند نفس آدمی را به گونه ای آفریده که بر ایجاد صورت های مجرد توانا است و همانطور که تمام مخلوقات خدا برای او حاصل هستند، صورت های ابداعی نفس انسان نیز برای آن حاصل میشوند؛ و حصول صورت معلوم (در فرض مطابقت آن با واقع)، برای نفس، مناط عالمیت نفس (در علم حصولی) است.
- به این ترتیب نفس متصف به علم نیست و علم در نفس، حلول نکرده یا در آن منعکس نمیشود؛ بلکه نفس فاعل شناسا، مبدع علم است.
- در علم مدیریت نیز، بخشی از الگوهای ذهنی ایجاد شده برای تعریف روابط مولفه های سازمانی از این جنس می باشند.

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

۵) علم در عین ثبات (از منظر معلوم)، دارای ویژگی پویایی (از منظر عالم) است

- حقیقت که عبارت از مطابقت محتویات ذهنی با واقع و نفس الأمر است، امری همیشگی و تغییرناپذیر است. در واقع، آنچه (در خصوص واقعیات موقت)، مقید و محدود به زمان است، "واقعیت خارجی" است، نه "مطابقت مفهوم ذهنی با آن واقعیت خارجی".
- اما هنگامی که علم را با نظر به عالم مورد توجه قرار میدهیم، ویژگی تحول و پویایی آن که از علم ورزی عالمان در زمینه های مختلف نشأت گرفته، آشکار میشود.
- قرار گرفتن عالمان در زمینه های مختلف اجتماعی، فکری و تاریخی، آنان را با فضاهای متفاوتی مواجه می کند؛ به گونه ای که ممکن است هر فضایی، علائق، حساسیت ها و سؤالهای ویژه ای را فراروی عالمان قرار دهد. این موضوع در سازمانهای مختلف نیز صدق می کند.
- از سوی دیگر جهانبینی و نظام ارزشی هر شخص به تکوین پرسشهای مختلف، حتی در خصوص یک پدیده، منجر شده و به پی جویی های مختلف خواهد انجامید. در نتیجه علوم که از این پی جویی ها حاصل میشود، متنوع خواهند بود. بنابراین میتوان در عین ثبات علم (از منظر معلوم و مطابقت آن با نفس الأمر)، به پویایی علم نیز اعتقاد داشت؛ مشروط بر آن که به نسبت گرای منجر نشود.

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

۶) انسان دارای منابع و ابزارهای متعدد کسب معرفت می باشد

- انسان منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگر هستند و برای شناخت منسجم و جامع واقعیات و حقایق جهان، باید از همه آنها بهره گرفت و نمیتوان از برخی به نفع دیگری دست برداشت.
- اهم راه ها و ابزارهای گوناگون انسان برای دستیابی به معرفت از جمله معرفت های مدیریتی و سازمانی عبارتست از: حواس (درونی و بیرونی)، عقل، شهود و مکاشفه، وحی و الهام.
- با توجه به گوناگونی واقعیات مورد شناخت و اختلاف ابزارها و راه های شناخت این واقعیات، موضوعات و مسائل هر رشته علمی، اقتضای به کارگیری روشی خاص در بررسی و پژوهش آن دارد. به این ترتیب مرزبندی ویژه ای میان روشهای پژوهش مسائل مختلف به وجود می آید که مقتضای گوناگونی علوم و مسائل آن است و یک امر قراردادی نیست. لذا در بررسی مسائل علمی و داوری نسبت به درستی یا نادرستی آنها، لازم است از روش تحقیق ویژه هر مسئله و متناسب با روش شناسی معتبر در آن علم استفاده کرد؛ در غیر این صورت، خلط در به کارگیری روشها و جایگزینی نابجای هر یک به جای دیگری نه تنها به حقیقت یابی نمی انجامد، بلکه باعث داوری های نادرست و محروم ماندن از دستاوردهای علوم و مسائل مختلف معرفتی خواهد شد.

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

۷) توانایی تعقل (عقل ورزی) انسان در شناخت حقیقت هستی

- انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، از توانایی تعقل که در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش اساسی دارد، برخوردار است.
- تعقل مهمترین فعالیت آدمی است و در تمام فعالیتها از جمله شنیدن، دیدن، مشاهدات قلبی و همچنین تولید مفاهیم و گزاره ها، استنتاج ها، ارزیابی ها، تعمیم ها، ارجاعات، اصلاحات، بازنگری های مکرر و یقین و عمل حضور اساسی دارد.
- تعقل (در معنای جامع آن)، مشتمل بر رمزگشایی از ذات واقعیت و رمزگذاری واقعیت (بیان آن در قالبهای جدید) است. فقط در صورتی که از توانایی عقل و عقل ورزی خود به طور کامل بهره بگیریم؛ یعنی نخست مجموعه واقعیتها و حقایق عالم را در مراحل ابتدایی تعقل در ذهن ترسیم و برهان پردازی کرده و سپس آنها را در مراحل عالی تعقل باور کنیم (تعقل نظری) و بعد از آن، لوازم عملی این درک و باور را آگاهانه و اختیاری انتخاب و با عمل اختیاری مداوم به تدریج در خویشتن تثبیت کنیم (عقل ورزی عملی)، آنگاه به هستی جاودانه و آسایش همیشگی دست می یابیم.

ابعاد اصلی مبانی معرفت شناسی_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

۸) شناخت انسان با موانع و محدودیت هایی همراه است

- انسان قادر است به کمک قوای شناختی، دامنه شناخت خود را از محسوس به نامحسوس گسترش داده و هر دو لایه هستی (شهود و غیب) و برخی از امور فراتر از زمان و مکان را بشناسد؛ اما در عین حال محدودیتهایی برای این توانایی بشر متصور است.
- از یک سو، هر انسانی به قدر توان و استعداد و میزان تلاش و خلاقیت فکری خود از معارف بهره میگیرد. همچنان که عقل بشر، با توجه به محدودیتهای ذاتی خویش قادر نیست به بعضی از حقائق هستی (نظیر درک کنه ذات اقدس الهی و واقعیات جهان ماوراءالطبیعه) پی ببرد.
- همچنین موانع درونی و بیرونی فراوانی (نظیر لجاجت، سطحینگری، پندارگرایی، شخصیت گرایی، تقلید کورکورانه، غرور و استبداد رأی) در مسیر فهم و شناخت انسان وجود دارد که با وجود امکان رفع اکثر این موانع، احتمال وجود برخی از آنها باعث میشود نتوانیم به صورت قطعی بر اکثر معلومات خود اعتماد کنیم و لذا باید همواره دانش انسانی خود را در معرض نقد و ارزیابی دیگران قرار دهیم.
- در این میان انواع دانشهای مستقل (متکی بر عقل مولد و ابزاری بشر)، در صورت ارتباط نداشتن با منابع معتبر دینی، با کاستی های بیشتری رو به رو است.